

## نامه‌های ناموران (۵)



هبة‌الله جذبی در ۹۰ سالگی

### نامه‌ی سید هبة‌الله جذبی به سید حسن امین ۱- مدخل

سید هبة‌الله جذبی از مشایخ سلسله‌ی صوفیان نعمة‌اللهی گنابادی بود و یکی از اولین مقاله‌ها در معرفی این سلسله در ۱۳۳۸ به قلم او نوشته شده بود.<sup>۱</sup> برای معرفی جذبی، در اینجا نقل سطری از نوشتار خود او در پایان کتاب نامه‌های صالح (چاپ دوم، ۱۳۵۸) کفایت می‌کند:

«این ذره‌ی بی‌مقدار و گرفتار نفس غدار، از اوائل جوانی و ۶۵ سال قبل که به شرف آستانه‌ی بوسی حضرت پیر بزرگوار - رضوان‌الله علیه - موفق شد، با توفیق و تأیید پروردگار، به استنساخ تألیفات بزرگان و به‌دست آوردن مکتوبات آنان، با عشق و اشتیاق فراوان، اشتغال ورزید و بسیاری از مکاتیب آنان را استنساخ نمود و مخصوصاً در تحصیل نامه‌های قطب‌الاقطاب و لب‌الالباب مرحوم آقای صالح علی‌شاه - طاب‌ثراه - جدّ کافی و سعی وافیه نمود و با زحمت و جدیت زیاد، مقداری از آن‌ها را به‌دست آورد و در سال ۱۳۸۶ قمری (۱۳۴۶ شمسی) [...] به حلیه‌ی طبع رسانید [...] امیدوار از کرم پروردگار... این خدمت بی‌ارزش و اعتبار، موجب عفو و بخشش این شرمسار... که در تمام مدت هشتاد و پنج سال عمر خود کوچکترین عملی صالحی ننموده [...] گردد.»<sup>۲</sup>

جذبی، نامه‌ی حاضر را پس از آن که من در تابستان ۱۳۴۹ نسخه‌ای از کتاب پرتو حقیقت در خدائشناسی و اعتقادات اسلامی از تألیفات پدرم (سید علی‌نقی امین)<sup>۳</sup> را برای او فرستادم، در مهرماه ۱۳۴۹ (یعنی درست ۲۹ سال پیش) به من نوشت. این نامه تاکنون در جایی چاپ نشده است.

۱. جذبی، سید هبة‌الله، «سلسله نعمة‌اللهیه گنابادی»، سالنامه‌ی کشور ایران، ج ۱۴ (۱۳۳۸)، صص ۱۲۰-۱۳۰.
۲. همو، نامه‌های صالح، تهران، بی‌نا، ۱۳۵۸ (چاپ دوم)، صص ۲۵۱-۲۵۳.
۳. سید علی‌نقی امین (ولادت ۱۲۹۷)، دارای اجازات علمی از آیات عظام، سید محسن حکیم، سید محمود شاهرودی، سید ابوالقاسم خوبی، آقا بزرگ تهرانی (صاحب الذریعه)، شیخ محمد صالح حابری مازندرانی (علامه سمّانی) سید عبدالاعلی سبزواری، حاج میرزا حسین فقیه سبزواری، حاج میرزا حسن سیادت، و... امام جماعت مسجد جامع خاتم الانبیاء تهرانبارس، تهران و مدرّس پیشین مدرسه سپهسالار قدیم (مدرسه‌ی عالی شهید بهشتی کنونی)



است و بفرمایش مرحوم آیه الله کاشف الغطا پایه اسلام بر کلمه الوحده و وحده الکلمه است بر تفرقه و جدائی و نفاق مسلمین می افزایند. پیغمبر اکرم ص شمشیرها می زد تا یکتفر ولو بتناق باشد گوینده بشهادتین گردد ولی این خدام دروغی اسلام دسته دسته و گروه گروه گویندگان شهادتین و معتقدین بعقاید اسلامی و عاملین به احکام مطهره اسلام را از اسلام خارج و به تکفیر آنان رأی می دهند اگر واقعاً اینان رؤسا و پیشوایان مذهب اسلام می باشند باید گفت علی الاسلام والسلام.

عجالتاً کتاب اسرارالعشق<sup>۱</sup> را تقدیم داشته انشاءالله بعدها کتابی که مناسب حال آن جناب باشد تقدیم خواهد شد بعلاوه نهایت اشتیاق را به زیارت آن جناب داشته و مسرور و متشکر خواهم شد. در پایان مزید توفیقات آن جناب را خواستارم. والسلام. امضاء (هبة الله جذبی)

۴۹/۷/۲۱

### ۳- ذیل

کتاب نامه های صالح که نخست در سال ۱۳۴۶ به چاپ رسید، شامل یک مقدمه و سه فصل بود. مقدمه به شرح حال مرحوم حاج شیخ محمدحسن بیچاره گنابادی معروف به «صالح علیشاه» - والد مرحوم سلطان حسین تابنده (مؤلف چندین کتاب ارزنده از جمله تاریخ گناباد) و جناب آقای دکتر نورعلی تابنده (قاضی دادگستری) - (اقطاب سابق و لاجق سلسله ی نعمه الهی گنابادی)، اختصاص داشت. فصل اول، شامل اجازة ها و فرمان های طریقتی و فصل دوم، نامه های مرحوم صالح علی شاه بود. و فصل پایانی یعنی فصل سوم هم در بردارنده ی اشعاری بود که شاعران (از جمله هادی حائری، ابوالحسن ورزی، صابر کرمانی، فضل الله دانشور علوی، محمدحسن کاردان، سید ابوالقاسم سزّی، پرویز صدقی، دکتر نعمت الله تابنده، علی احمدی کرمانی و...) در سوک مرحوم صالح علیشاه سروده اند. این بخش، شامل قطعه ی رثاییه ای نیز اثر صاحب این قلم است که من آن را دو مرداد ماه ۱۳۴۵ در تهران سروده ام و در ۱۳۴۶ در فصل سوم کتاب نامه های صالح (چاپ اول، ص ۲۱۸) چاپ شده است و اکنون به یادگار در اینجا تجدید چاپ می شود.

فغان که رهبر عرفان ز دست رفت و نماند	ز رسم و راه طریقت، جز اسمی و نامی
ز هم گسیخت مساق صفوف دُر دکشان	فرو شکست دل از فرقت دل آرامی
نه عارفان را جز خامشی هنر هر روز	نه علمیان را جز گریه کنار هر شامی
ز هوش رفت از این غم هر آنکه هوشش بود	چو خم بجوش درافتاد هر می آشنای
چو گنج مصطبه از پیر عشق خالی ماند	خواص را به سر افتاد شورش عامی
یکی که مرد خدا بود و پیر اهل صفا	بشد به بحر فنا غرقه، تا بزد جامی
پسرید طایر قدسی به شاخسار جنان	بیافت صالح علی شاه از حق انعامی
چو ارجعی به خطاب آمدش، در آتش شوق	فکند خرقة که بودش خجسته پیغامی
میرید مردم ناکام نامرادی باش	که نامرادی را دانند بهترین کامی

تهران - مرداد ۱۳۴۵

۱. مرحوم جذبی به همراه این نامه، کتاب اسرارالعشق (چاپ سوم، خرداد ۱۳۴۹) تألیف اسدالله آذرگنسب (جذ منصور آذرگنسب وکیل دادگستری) را برای من فرستاد.